

فقه‌السییره‌نویسی

شیوه‌ای نوین در تاریخ‌نگاری اسلامی

یعقوب جعفری*

چکیده

فقه‌السییره، نوع خاصی از سیره‌نویسی است که در آن، سیره نبوی با نگاهی تازه مطرح می‌شود و در بیشتر به نتایج فقهی، عقیدتی، اجتماعی سیاسی حوادث عصر پیامبر^ص نگریسته شده و جنبه‌های تاریخی حوادث در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد. البته استدلال به برخی از احکام شرعی با عمل پیامبر^ص، سابقه‌ای طولانی دارد، ولی آنچه فقه‌السییره را متمایز می‌سازد، شیوه خاصی است که در آن به کار می‌رود و سیره نبوی از حالت تاریخی صرف، به حالتی فعال و پر از درس‌های کاربردی در می‌آید.

در این مقاله، ضمن بررسی سوابق این نوع سیره‌نگاری، به معرفی اجمالی چند کتاب در این باره پرداخته شده و در پایان، ملاحظاتی در این باب تحت عنوان «نقد و نظر» ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: فقه‌السییره، سیره نبوی، حجیت فعل معصوم، شیوه دعوت، درس‌ها و عبرت‌ها.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز پژوهش‌های اسلامی
پژوهشگاه علوم انسانی

* استاد و پژوهشگر در علوم قرآن و تاریخ اسلام. دریافت: ۸۹/۳/۳ - پذیرش: ۸۹/۵/۳

مقدمه

سیره نگاری یا همان نگارش تاریخ زندگانی پیامبر اسلام ﷺ از همان قرن‌های اولیه آغاز شد و - همانگونه که خواهیم دید - به عنوان یک رشته ویژه در تاریخ‌نگاری اسلامی پی گرفته شد. واژه «سیره» اسم مصدر از ریشه «سیر» به معنای رفتن است. این واژه در معانی گوناگونی به کار می‌رود که نزدیک به هم هستند، مانند روش، شکل، سنت، شیوه و طریقت. این واژه در قرآن کریم فقط یک بار آن هم در داستان عصای موسی به کار رفته و به معنای شکل و هیئت است: «قال خذها و لا تخف سنعیدها سیرتها الاولى»؛ (طه: ۲۱).

«سیره» در اصطلاح فقها به معنای شیوه متداول میان مسلمانان است که آن را «سیره مسلمانان» می‌نامند و از آن برای تقویت یک نظر فقهی استفاده می‌کنند و در اصطلاح مورخان به معنای روش زندگی و سنت جاریه در زندگی یک شخص یا یک سلسله از حاکمان است. خالد بن زهیر که از مَخْضَرُمین بوده، چنین گفته است:

فلا تجز عن من سیره انت سرتها و اول راض سیره من یسیرها^۱

از سیره‌ای که پیش گرفته‌ای ناراحت مباش؛ نخستین کسی که از یک سیره، خوشنود است همان کسی است که به راه آن می‌رود.

البته این واژه در تاریخ اسلام بیشتر درباره روش زندگی پیامبر ﷺ به کار می‌رود و شاید نخستین بار این واژه را کعب بن مالک انصاری یکی از اصحاب پیامبر، درباره آن حضرت به کار برده است. او در قصیده‌ای که در مدح پیامبر سروده چنین می‌گوید:

فینا الرسول شهاب ثم یتبعه نور مضيئ له فضل علی الشهب
الحق منطقه و العدل سیرته فمن یجبه الیه ینج من تب^۲

پیامبر در میان ما شهابی است که نوری روشنگر او را دنبال می‌کند و او بر شهاب‌های دیگر برتری دارد. حق، منطقی او و عدالت، سیره اوست؛ هر کس او را اجابت کند از خواری نجات می‌یابد.

سیره به این معنا در متون روایی هم به طور مکرر آمده است. امام حسین علیه السلام در حرکت از مکه به سوی کوفه، به ابن عباس فرمود: طبق سیره جدم و پدرم حرکت می‌کنم.^۳ و امام باقر علیه السلام نیز در پاسخ کسی که از شیوه حکومتی حضرت مهدی علیه السلام پرسید، فرمود: طبق سیره پیامبر خدا حرکت می‌کنند تا اسلام پیروز شود. راوی می‌پرسد: سیره پیامبر خدا چگونه بود؟ حضرت می‌فرماید: آنچه در جاهلیت بود باطل کرد و مردم را با عدالت استقبال کرد.^۴ همچنین حفص بن غیاث می‌گوید: مسائلی از امام صادق علیه السلام راجع به «سیره» پرسیدم، از جمله درباره غنایمی که سپاه اسلام در دارالحرب به دست می‌آوردند.^۵

هر چند سیره معنای عامی دارد، ولی بیشتر در مورد غزوه‌های پیامبر و رفتار آن حضرت با سپاهیان خود و سپاهیان دشمن به کار می‌رود، از این‌رو، می‌بینیم در برخی از کتاب‌ها باب‌هایی تحت عنوان «السیره فی المشرکین»، «السیره فی اهل الکتاب»،^۶ «السیره فی اهل البغی»،^۷ «السیره فی اهل القبله»^۸ و «السیره فی اهل الذمه»^۹ وجود دارد که به رفتار پیامبر ﷺ یا امیرالمؤمنین با سپاهیان و اسرای این گروه‌ها مربوط است.

درباره نخستین کسی که راجع به سیره پیامبر کتاب نوشته، مطالبی گفته شده است، از جمله اینکه نخستین بار ابان بن عثمان بن عفان آنچه از سیره و مغازی پیامبر شنیده بود، نگاشت و آن را به سلیمان بن عبدالملک داد و او هم آن کتاب را از بین برد.^{۱۰} از افراد دیگری هم در این باره نام برده شده، اما می‌توان گفت قدیمی‌ترین کتاب در این باره که هم اکنون هم در دست ماست، سیره ابن اسحاق (م ۱۵۱ق) و متن تهذیب شده آن توسط ابن هشام است. ابن اسحاق معاصر با امام باقر و امام صادق علیهما السلام بود و شیخ طوسی او را از اصحاب این دو امام معرفی می‌کند.^{۱۱} پس از ابن اسحاق کتاب‌های گوناگونی تحت عنوان «السیره النبویه» با پسوندها و پیشوندهای مختلف نوشته شد.^{۱۲}

نگارش سیره نبوی علاوه بر سبک معمول، به سبک‌های گوناگون دیگری هم ادامه یافت؛ گاهی به صورت شرح حال صحابه، مانند *الطبقات الکبری* از ابن سعد، گاهی به صورت ترتیب تاریخی حوادث در تواریخ عمومی، مانند *تاریخ طبری*، گاهی به صورت گزارش جنگ‌های صدر اسلام، مانند *المغازی* واقدی، گاهی به عنوان تاریخ شهرها، مانند *تاریخ مکه* از زرقی و *تاریخ المدینه المنوره* ابن شَبّه و مانند آنها نگاشته شد.

در این میان به نوعی خاص از سیره‌نویسی بر می‌خوریم که با سیره‌نویسی معمولی متفاوت است و آن را امروزه به نام «فقه‌السیره» می‌شناسیم. اصطلاح «فقه‌السیره» اصطلاح متأخریاست، هر چند کتاب‌هایی از متقدمان در دست داریم که با همان هدف نوشته شده که فقه‌السیره‌نویسان آن را مد نظر دارند، ولی عنوان فقه‌السیره ندارد. در اینجا برخی از آنها را معرفی و بررسی خواهیم کرد.

تعریف فقه‌السیره

از فقه‌السیره دو تعریف متفاوت داریم. گاهی فقه‌السیره به تحلیل حوادث و ربط دادن آن به یکدیگر و تطابق آن با مسائل عقلی گفته می‌شود و گاهی هم فقه‌السیره به استخراج موضوعات عقیدتی و فقهی و سیاسی و اخلاقی و اجتماعی از سیره نبوی گفته می‌شود.

در تعریف اول، منظور از فقه‌السیره، فهم درست سیره نبوی و به نوعی تحلیل تاریخی حوادث عصر پیامبر ﷺ است، ولی در تعریف دوم که بیشتر مورد توجه است و کتاب‌های بسیاری

با این عنوان نوشته شده، هدف، فراتر از بحث‌های تاریخی است، بلکه هدف، کشف احکام و معارف اسلامی از رفتار و سلوک پیامبر اسلام ﷺ به صورت کاربردی است؛ یعنی موضوعاتی را که از پیامبر سخنی در باره آنها به دست ما نرسیده، از چگونگی عملکرد آن حضرت در طول حوادثی که اتفاق افتاده به دست می‌آوریم. مبانی و مستندات این کار، به روشنی در علم اصول در بحث حجّیت فعل معصوم ذکر شده است.

تردیدی نیست که انجام یافتن کاری از سوی معصوم، دست‌کم بر مباح بودن آن کار دلالت می‌کند و ترک کاری از سوی او، دست‌کم بر عدم وجوب آن کار دلالت می‌کند و اگر فعل معصوم در مقام تعلیم و بیان حکمی از احکام یا عبادتی از عبادات باشد، فعل او دلالت بر وجوب یا استحباب می‌کند و همان‌گونه که ظواهر الفاظ حدیث حجت است ظواهر چنین افعالی هم حجت است. برای مثال، وقتی پیامبر می‌فرماید: «صَلُّوا کَمَا رَأَيْتُمُونِي اصَلِّي»؛^{۱۳} نماز بگذارید همان‌گونه که می‌بینید من نماز می‌گذارم» یا می‌فرماید: خذوا عَنِّي مَنَاسِكُمْ»،^{۱۴} و پس از آن اعمالی را انجام می‌دهد، آن اعمال از واجبات نماز یا حج است و فعل پیامبر مانند قول او حجت شرعی است.

حجّیت فعل معصوم و لزوم پیروی از آن را می‌توان از برخی آیات به دست آورد، از جمله: «همانا برای شما در وجود پیامبر خدا سرمشق خوبی است». (احزاب: ۲۱)

این آیه در جنگ احزاب نازل شد و مسلمانان دعوت شدند که به پیامبر تاسی کنند. البته اسوه بودن پیامبر به جنگ احزاب اختصاص نداشته و مسلمانان وظیفه دارند که آن حضرت را در همه چیز سرمشق قرار دهند.

در آیه دیگر چنین آمده است: «بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست داشته باشد». (آل عمران: ۳۱)

با مراجعه به ابواب گوناگون فقه اسلامی می‌بینیم که در موارد بسیاری، حکم یک مسئله از فعل پیامبر استنباط شده است و با بررسی‌های به عمل آمده معلوم شد که بیشترین احکامی که مستند آن فعل‌النبی است، احکام جهاد و جنگ و نیز احکام مناسک حج است و البته در باب‌های دیگر فقهی هم فراوان از فعل‌النبی استفاده شده است، ولی این دو باب بسیار شاخص به نظر می‌رسد. برای نمونه، چند مسئله را در باب جهاد و جنگ یادآور می‌شویم که فقها آنها را از فعل پیامبر استخراج کرده‌اند:

۱. برای امام جایز است که در جنگ با مشرکان، از مشرکان دیگر کمک بگیرد، همان‌گونه که پیامبر خدا ﷺ با صفوان بن امیه چنین رفتار کرد و از یهودیان کمک گرفت.^{۱۵}
۲. امام می‌تواند در صورت لزوم، شهر دشمن را محاصره کند و با منجنیق دیوارهای خانه‌ها را تخریب کند، همان‌گونه که پیامبر ﷺ با اهل طائف چنین کرد.^{۱۶}

۳. در یک قبر نمی‌توان دو نفر را دفن کرد، مگر در مقام ضرورت، چنان‌که پیامبر ﷺ در جنگ احد انجام داد.^{۱۷}

۴. اگر لباس شهید در معرکه به غارت برود باید او را کفن کرد، ولی غسل داده نمی‌شود. مستند این حکم، فعل پیامبر ﷺ درباره حمزه در جنگ احد است.^{۱۸}

۵. در معرکه جنگ، نخست باید با آن گروه از سربازان دشمن که به امام نزدیک‌ترند جنگ شود، مگر اینکه خطر مهمی در قسمت‌های دورتر باشد که باید جنگ را از همان‌جا آغاز کرد، همان‌گونه که پیامبر ﷺ با حارث بن ابی‌ضرار و خالد بن ابی‌سفیان هذلی چنین کرد.^{۱۹} همچنین در باب مناسک حج مسائل متعددی را به فعل النبی مستند کرده‌اند. برای نمونه، به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. اگر کسی که قصد انجام حج یا عمره را کرده و در بیرون از حرم از طرف دشمن محصور شود، می‌تواند در همان‌جا قربانی کند و از احرام بیرون آید. مستند این حکم، فعل پیامبر ﷺ در حدیبیه است که چون از طرف مشرکان مصدود شد، در همان‌جا قربانی کرد و از احرام بیرون آمد.

۲. احرام باید فقط از میقات صورت بگیرد. دلیل این حکم، فعل پیامبر ﷺ است که هیچ وقت احرام نبست، مگر از میقات.^{۲۰}

۳. در رمی جمرات باید سنگ‌ها جدا جدا انداخته شود و انداختن همه آنها در یک دفعه کافی نیست، چون مخالف فعل النبی است.^{۲۱}

۴. قربانی در حج باید یکی از سه حیوان باشد: شتر، گاو و گوسفند و غیر آنها کافی نیست، دلیل، آن فعل پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام است.^{۲۲}

۵. طواف کردن در حالت سواره، حتی بدون عذر جایز است، چون پیامبر خدا ﷺ گاهی سواره طواف می‌کرد.^{۲۳}

از این موارد در ابواب دیگر فقه نیز فراوان به چشم می‌خورد ما فقط نمونه‌هایی را یادآور شدیم. نکته‌ای که توجه به آن را در اینجا لازم می‌دانیم این است که برخی احکام به شخص پیامبر اختصاص دارد، مانند وجوب خواندن نماز شب، جواز ازدواج با بیش از چهار همسر، حرمت ازدواج با زنان او حتی پس از مرگش و مانند آنها. چنین کارهایی از محل بحث بیرون است و چون این موارد مشخص شده است، مشکلی در اقتدا به سیره آن حضرت نخواهیم داشت.

با توجه به آنچه گفته شد، معلوم گردید که استخراج احکام از سیره نبوی سابقه‌ای طولانی دارد و با جست‌وجوی موارد آن در ابواب فقهی، می‌توان حجم عظیمی از آن موارد را به دست آورد، اما آنچه کار فقه‌السیره‌نویسان را متمایز می‌کند، این است که در این شیوه، زندگی پیامبر اسلام ﷺ به ترتیب تاریخی، بررسی شده و درس‌ها و عبرت‌ها و احکامی که از آن به دست می‌آید، گردآوری می‌شود.

فقه‌السیره نویسی

گفته شد که از فقه‌السیره دو تعریف متفاوت در دست می‌باشد. بر این اساس، در طول تاریخ و به خصوص در عصر حاضر، هم کتاب‌هایی به عنوان فقه‌السیره به معنای تحلیل حوادث تاریخی عصر پیامبر تألیف شده و هم کتاب‌هایی به عنوان فقه‌السیره به مفهوم استخراج احکام و معارف و سیاست از سیره نبوی تألیف شده است و گاهی هم عنوان کتاب، فقه‌السیره نیست، ولی در پی همان هدف است.

در اینجا چند کتاب را که در این موضوع نگاشته شده و شهرت ویژه‌ای دارند، بررسی می‌کنیم:

۱. زاد المعاد فی هدی خیر العباد نوشته ابو عبدالله ابن قیّم جوزی

شاید بتوان گفت که این کتاب قدیمی‌ترین کتابی است که در آن احکام فقهی به تفصیل از سیره نبوی استخراج شده است. البته - همان‌گونه که در بحث‌های مقدماتی گفته شد - استدلال به فعل پیامبر ﷺ در ابواب فقهی سابقه‌ای طولانی دارد و صدها سال پیش از ابن قیّم فقه‌های اسلام در استنباط احکام فقهی به فعل معصوم استناد می‌کردند، ولی چیزی که این کتاب را متمایز می‌سازد این است که در این کتاب، به صورت مستقلی به سیره نبوی توجه شده و احکام فقهی با تبویب خاصی که در کتاب‌های فقهی معمول است، در این کتاب بر اساس سیره نبوی تنظیم شده و هر چند فصل‌های کتاب و چینش آنها مانند یک کتاب اخلاقی و فقهی است، ولی ذیل آن فصل‌ها، همواره سیره نبوی مطرح و احکامی از آن استخراج شده است؛ در واقع این کتاب، آمیزه‌ای از سیره نبوی و احکام فقهی و اخلاقی است.

برای مثال، پس از نقل جریان صلح حدیبیه، در فصلی تحت عنوان «بعض ما فی قصه الحدیبیه من الفوائد الفقهیه» ده‌ها حکم فقهی را بیان می‌کند از جمله: فرمانده لشکر می‌تواند جاسوس‌هایی داشته باشد؛ کمک گرفتن از مشرکی که به او تأمین داده شده، در مقام ضرورت جنگی جائز است؛ مستحب است امام با پیروان و سربازان خود مشورت کند؛ اگر مصلحت مسلمانان اقتضا کند، امام می‌تواند در پیشنهاد صلح به دشمن پیش قدم باشد؛ مال مشرکی که هم پیمان با مسلمانان است حرمت دارد و فال نیک زدن جایز است.^{۲۴}

همان‌طور که گفته شد، فصل‌های کتاب *زاد المعاد* آمیزه‌ای از فصل‌های فقهی و تاریخی است. نویسنده در بخش‌های آغازین کتاب، جزئیاتی از زندگی پیامبر ﷺ را نقل می‌کند و احکامی را که بیشتر جنبه اخلاقی دارد، از آن استخراج می‌کند، پس از آن، فصل مستقلی را با عنوان «باب العبادات» می‌آورد و به تفصیل، مسائل گوناگون وضو، نماز، روزه، اعتکاف، حج و عمره را با استناد به سیره پیامبر ﷺ ذکر می‌کند که حدود یک چهارم کتاب را در بر می‌گیرد.

همچنین فصلی با عنوان «جهاد و غزوات» دارد که ذیل آن، جنگ‌های پیامبر را شرح می‌دهد و ذیل هر کدام، احکام و فواید فقهی استخراج شده از آن را به تفصیل بیان می‌کند. ابواب دیگری هم در این کتاب وجود دارد که با همان سبک، عنوان شده است، مانند کتاب نکاح، کتاب طلاق، کتاب بیع، کتاب احکام قضاوت و حتی فصلی تحت عنوان «فی طب الابدان» دارد که ذیل آن، نمونه‌هایی از تذکرات بهداشتی را که از آن حضرت نقل شده و خواص برخی از میوه‌ها و گیاهان را که حضرت در موارد خاصی به کار برده است، ذکر می‌کند.

۲. فقه‌السیره نوشته محمد غزالی

این کتاب یکی از معروف‌ترین کتاب‌ها در فقه‌السیره است که توسط محقق معاصر مصری، محمدغزالی تدوین، و از چاپ دوم به بعد، همراه با استخراج احادیث و تعلیقات ناصرالدین آلبنانی منتشر شده است. نویسنده ضمن استقبال از تعلیقات آلبنانی، در مواردی نظر او را نمی‌پذیرد. یکی از مهم‌ترین آنها استفاده از احادیث ضعیف است. غزالی با اشاره به تضعیف برخی از احادیث کتاب توسط آلبنانی، اظهار می‌دارد: گاهی حدیث نزد محدثان ضعیف است، ولی من بیشتر به متن حدیث توجه دارم و می‌بینم که آن با آیه‌ای از قرآن یا سنتی صحیح کاملاً مطابقت دارد، در چنین حالتی اشکالی در نقل آن نمی‌بینیم.^{۲۵} همچنین غزالی گاهی حدیثی را که محدثان آن را صحیح می‌دانند، چون به گفته خود، آن را طبق قواعد اسلام نمی‌یابد، رها می‌کند.^{۲۶}

غزالی، سیره نبوی را سرچشمه جوشانی از معارف و احکام و عاملی قوی برای رشد و تکامل جامعه‌های اسلامی می‌داند. او تاریخ را برای تاریخ و سیره را برای سیره نمی‌خواهد، بلکه سیره را منبع الهام مسلمانان در تنظیم زندگی اسلامی خود می‌داند و مطالعه سیره نبوی را با هدف اسوه قرار دادن پیامبر ﷺ توصیه می‌کند.

غزالی خود را مورخی بی‌طرف نمی‌داند و در مقدمه کتاب خود می‌گوید: هدف من این است که سیره چیزی باشد که ایمان را رشد دهد و اخلاق را تزکیه کند و شخص را به مبارزه وادارد و او را به پذیرش حق و التزام به آن تشویق کند و ثروتی عظیم از نمونه‌های با ارزش را فراهم آورد. در ادامه می‌گوید: من سیره را مانند نوشتن سربازی از فرماندهش یا خدمتکاری از آقای خودش یا شاگردی از استاد خودش می‌نویسم و من هرگز مورخ بی‌طرفی نیستم که ارتباطم را با صاحب سیره قطع کنم.^{۲۷}

در عین حال، با همه عشق و علاقه‌ای که به پیامبر اسلام ﷺ ابراز می‌کند، در مواردی از همین کتاب، قداست و شخصیت ماورایی آن حضرت را زیر سؤال می‌برد و او را در حد فردی روشن بین و عاقبت اندیش و نابغه قرار می‌دهد و برخی از روایات را که طبق آنها پیامبر ﷺ از حوادث آینده و وقوع فتنه‌های پیش رو خبر داده، توجیه مادی می‌کند و آن پیشگویی‌ها را ناشی از تیزبینی و هوش و کیاست آن حضرت می‌داند.^{۲۸}

یکی از موضوعاتی که غزالی را دچار تشویش کرده، موضوع شق صدر است. از سویی در احادیثی که از طریق اهل سنت نقل شده، حدیث شق صدر، حدیثی صحیح قلمداد شده و طبق آن هنگامی که پیامبر کودک بود و با حلیمه سعدیه زندگی می‌کرد، جبرئیل نازل شد و سینه او را شکافت و چیزی را از درون سینه او بیرون آورد و آن را شست و به جای خود برگردانید.^{۲۹} و از سوی دیگر، غزالی طبق مبانی خود، نمی‌تواند آن را بپذیرد. به همین دلیل تلاش می‌کند که برای آن توجیه مادی پیدا کند و پس از قلم فرسای‌هایی می‌گوید: شاید احادیث شق صدر به حفظ و حراست پیامبر از بدی‌ها توسط خداوند اشاره می‌کند. شرح صدر پیامبر^ﷺ نتیجه جراحی سینه او نیست و باید در سنت به حقیقت و مجاز توجه داشت.^{۳۰}

غزالی مانند بسیاری از نویسندگان اهل سنت در نقل حوادث تاریخی گزینشی عمل کرده و برخی حوادث مهم را در سیره نبوی که می‌شد درس‌های مهمی از آن استخراج کرد، از قلم انداخته است، مانند جریان غدیر خم.

گفتنی است که فقه‌السیره غزالی توسط محمدطاهر حسینی به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۷۸ در تهران به چاپ رسیده است.

۳. فقه‌السیره نوشته محمد سعید رمضان بوطی

شاید بتوان گفت که این کتاب، جامع‌ترین کتاب در موضوع فقه‌السیره است و نویسنده آن، که استاد دانشگاه دمشق است، در این اثر تلاش بسیاری برای کشف و استخراج احکام و دلالات از سیره نبوی کرده، از این‌رو از کتاب او استقبال بسیار شده است.

او پس از چاپ این کتاب، سلسله درس‌هایی را در دانشگاه دمشق با همین عنوان تدریس کرده و به نتایج تازه‌ای رسیده است. مجموعه این درس‌ها نیز مستقلاً چاپ و منتشر شده است.

او در این کتاب برخلاف برخی از سیره‌نویسان معاصر، پیامبر اسلام^ﷺ را پیامبری که متصل به وحی بوده مطرح کرده است و از کسانی که آن حضرت را سیاست‌مدار یا قهرمان یا نابغه باهوشی مطرح می‌کنند به شدت انتقاد کرده و آن را توطئه غربی‌ها برای نفی شخصیت قدسی پیامبر دانسته و اشاره کرده است که وقتی این تعبیرها به جهان اسلام رسید، عده‌ای از آن استقبال کردند به گمان اینکه غربی‌ها پیامبر ما را تعریف می‌کنند، غافل از اینکه هدف آنها در ورای این الفاظ چیزی دیگری بود؛ آنها می‌خواهند مرتبه آن حضرت را از پیامبری صاحب معجزه، به فرماندهی شایسته پایین بیاورند.^{۳۱}

بوطی در این کتاب تا اندازه‌ای متأثر از غزالی بوده است، ولی احکام و معارف و داده‌های بیشتری را از سیره نبوی استخراج می‌کند و از چاپ ششم به بعد، بحث‌های تازه‌ای را به کتاب می‌افزاید. او در تمام فصل‌های کتاب پس از ذکر هر واقعه‌ای، استنباط‌های خود را با عنوان

«العبر و الدلالات» بیان می‌کند. برای مثال، ذیل داستان فتح مکه با عنوان «العبر و العظمت» موضوعات اخلاقی و احکام فقهی بسیاری از آن استخراج کرده که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- کسانی که با مسلمانان پیمان صلح و عدم تعرض دارند، اگر به قومی که در پناه و ذمه مسلمانان زندگی می‌کنند حمله کنند، پیمان آنها با مسلمانان نقض می‌شود.
- امام مسلمانان می‌تواند به طور ناگهانی و بدون اعلام قبلی به دشمن حمله کند.
- مسلمانان در هیچ شرایطی حق ندارند با دشمنان خدا رابطه دوستی برقرار کنند و بر ضد مسلمانان با آنان همکاری کنند (داستان حاطب بن ابی بلتعه).
- بیعت زنان در کنار مردان و شرکت آنها در مسئولیت‌های اجتماعی، جایز است.

متأسفانه بوطی هم مانند برخی دیگر از سیره‌نویسان اهل سنت، در پی فضیلت زدایی از علی بن ابی‌طالب علیه السلام است و از ذکر حوادث مهم و آموزنده‌ای که به نوعی مربوط به فضیلت علی علیه السلام است خودداری می‌کند و می‌بینیم بسیاری از سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره علی علیه السلام که در مناسبت‌های گوناگون فرموده است و حتی جریان غدیر خم، در این کتاب مشاهده نمی‌شود، در مقابل، تلاش بسیاری کرده که از ذکر هیچ حدیثی در فضیلت ابوبکر فروگذار نکند.^{۳۲}

البته بوطی در کتاب خود از سلفی‌ها و وهابیان دوری گرفته و در مواردی از آنها انتقادهای تندی کرده است. بر این اساس، او محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را فقط پیروی خشک از وی نمی‌داند، بلکه آن را امری قلبی - عاطفی می‌داند که منشأ پیروی می‌شود. می‌گوید: آنها که محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را فقط پیروی مجرد می‌دانند، گمراه شده‌اند، چون بدون محبت قلبی پیروی امکان ندارد، از این‌رو، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معیار ایمان به خدا را بر شدن قلب مؤمن از محبت آن بزرگوار معرفی می‌کند. این محبت باید چیزی از جنس محبت پدر و فرزند باشد.^{۳۳}

همچنین او ذیل داستان هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه و نقل تبرک جویی ابویوب انصاری و همسرش از آثار انگشت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌گوید: یکی از دلالات این حادثه این است که تبرک‌جویی از آثار پیامبر مشروع است و پیامبر خودش آن را تقریر کرده است آنگاه روایاتی از تبرک‌جویی صحابه به آثار آن حضرت و نهی نکردن ایشان نقل می‌کند.^{۳۴}

بوطی حتی توسل و تبرک‌جویی را پس از درگذشت پیامبر جایز می‌داند و درباره سلفی‌ها و وهابی چنین می‌گوید: آنان که دل‌هایشان از محبت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم خالی است و توسل و تبرک به آثار آن حضرت را بعد از وفاتش جایز نمی‌دانند، گمراه شده‌اند. سپس اضافه می‌کند که در توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هیچ فرقی میان زنده و مرده آن حضرت وجود ندارد، چون توسل به ایشان به این معنا نیست که او اقدامات عملی در رفع حاجت شخص انجام بدهد، بلکه به این معناست که خداوند به سبب جاه و عظمت او آن حاجت را برآورد. بنابراین، زنده و مرده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این جهت فرقی نمی‌کند.

او اضافه می‌کند که گروهی توسل به پیامبر ﷺ را پس از وفاتش به این دلیل انکار می‌کنند که پیامبر از دنیا رفته و پس از مرگ هیچ گونه تأثیری نمی‌تواند داشته باشد. این سخن، دلیل بر نادانی عجیب این گروه است.^{۳۵}

همچنین در مشروعیت و حتی فضیلت زیارت قبر پیامبر ﷺ روایات متعددی نقل می‌کند و می‌گوید: عموم مسلمانان در این مسئله، اجماع دارند و کسی به جز ابن تیمیه^{۳۶} با آن مخالفت نکرده است.

به سبب همین مواضع بوطی است که سلفی‌ها او را به باد انتقادها و حتی فحاشی‌ها گرفته و در پاسخ او کتاب‌ها نوشته‌اند که از جمله آنها کتاب ناصرالدین آلبانی است که با عنوان *دفاع عن الحديث النبوی و السیرة و الرد علی جهالات الدكتور بوطی فی فقه السیرة* منتشر شده است. آلبانی در این کتاب، عبارت‌های تنیدی را درباره بوطی به کار برده و او را جاهل، بی‌سواد، و ناآشنا با حدیث می‌نامد و در مقدمه کتابش می‌گوید: بوطی مدعی است که به روایات صحیح استناد کرده، در حالی که بسیاری از روایاتی که آورده، ضعیف است و نیز می‌گوید: بوطی سلفیان را آدم‌های سخیفی می‌نامد و حکومت‌ها را بر ضد آنان می‌شوراند.^{۳۷}

گفتنی است که آلبانی از تندروهای سلفیه بود که در دمشق زندگی می‌کرد و از عقاید عجیب او این است که غیر از دو کتاب *صحیح بخاری* و *صحیح مسلم* کتاب‌های دیگر قابل اعتماد نیستند.^{۳۸} در رد آلبانی کتاب‌های متعددی از طرف دانشمندان نوشته شده که از جمله آنها: *القول المقنع فی الرد علی الالبانی المبتدع* نوشته عبدالله بن صدیق و کتاب *تناقضات الالبانی الواضحه* نوشته حسن سقاف، است.

۴. السیرة النبویه دروس و عبر؛ نوشته مصطفی سباعی

نویسنده در مقدمه‌ای با عنوان «میزة السیرة النبویه» سیره پیامبر اسلام ﷺ را با تاریخ زندگی پیامبران پیشین و مصلحان قدیم مقایسه کرده و به این نتیجه رسیده که سیره آن حضرت از نظر سند، صحیح‌ترین و از نظر اشمال بر جزئیات زندگی، فراگیرترین؛ و از نظر آموزندگی، آموزنده‌ترین است.

در این کتاب، وقایع تاریخی عصر پیامبر ﷺ، به طور اجمال و بدون ذکر هیچ گونه منبعی بیان می‌شود. در واقع نویسنده فشرده‌ای از هر واقعه‌ای را با توجه به آیات و روایات و کتاب‌های سیره به دست می‌دهد و هدف نهایی او استخراج نتایج مورد نظر از حادثه است که در هر جا با عنوان «الدروس و العظات» مطرح کرده است.

برای اینکه نمونه‌ای از برداشت‌های او را از وقایع تاریخی به دست دهیم، فصل پنجم کتاب را بررسی می‌کنیم. در این فصل که با عنوان «فی معارک الرسول الحریبه» است، تقریباً همه غزوه‌های

پیامبر ﷺ با همان شیوه که گفتیم؛ یعنی بدون ذکر منبع شرح داده شده و در آخر، در بخش «الدروس و العظات» به طور مشروح درباره شیوه‌ها و تاکتیک‌ها و رهبری‌های کاربردی پیامبر اکرم ﷺ بحث کرده و نکته‌های جالبی ارائه داده است که می‌تواند برای مسلمانان سرمشق خوبی باشد.

در این بخش، نخست درباره مشروعیت جنگ در اسلام و اسباب و اهداف و قواعد کلی آن با استناد به سیره نبوی به طور مشروح بحث کرده، آنگاه به شیوه‌ها و رفتارهای پیامبر ﷺ و صحابه در جنگ‌ها اشاره نموده که برخی از آنها را به تمام غزوه‌های تعمیم داده و برخی را هم از غزوه‌های معینی با توجه به وضعیت خاص آن استخراج کرده است.

سباعتی در این کتاب، از نقش نیروهای غیبی در پیروزی‌های مسلمانان غافل نبوده و آنها را شرح می‌دهد، این در حالی است که برخی از نویسندگان معاصر آنها را به نوعی توجیه مادی می‌کنند.

همچنین سباعتی به جنبه‌های انسانی در جنگ‌ها توجه خاصی دارد و نمونه‌های بسیاری از آن را ارائه می‌دهد و وصایای پیامبر ﷺ را در برخورد کریمانه با دشمن برجسته می‌کند و آن را با جنگ‌های صلیبی و اقدامات اسرائیل بر ضد مسلمانان مقایسه می‌کند.^{۳۹}

۵. دروس السیره النبویه و عبرها (فقه السیره) نوشته دکتر احمد محمد علیمی

نویسنده این کتاب در مقدمه اشاره می‌کند که کتاب‌هایی با عنوان «فقه السیره» نوشته شده که هر کدام شیوه خاص خود را دارد؛ برخی از آنها فقط به استنباط احکام شرعی پرداخته‌اند، مانند ابن قیم در *زاد المعاد* و برخی، درس‌ها و عبرت‌هایی را که در فقه معاصر برای برطرف کردن نیازهای مردم لازم است، استخراج کرده‌اند و برخی درس‌های مربوط به شیوه‌های جهادی و نظامی و فرماندهی سپاه را با توجه به سیره نبوی و تحلیل جنگ‌های عصر پیامبر ارائه کرده‌اند. پس از این تقسیم‌بندی اضافه می‌کند که او سعی کرده با استفاده از کتاب‌های موجود، از هر حادثه‌ای درس‌ها و عبرت‌های لازم را از هر نوع که باشد، استخراج کند.^{۴۰}

شیوه علمی در این کتاب، مانند سایر کتاب‌های مشابه، ذکر حوادث تاریخی عصر نبوی و سپس استخراج درس‌ها و عبرت‌ها از آن حوادث است. او پس از ذکر هر حادثه مهمی، نتایجی را که از آن حادثه برداشت کرده، با عنوان «الدروس و العبر» می‌شمرد که شامل موارد مختلفی، مانند نتایج فقهی، نظامی، اجتماعی و اخلاقی است. برای مثال، پس از نقل مشروح حوادث جنگ بدر، دوازده مطلب از آن استخراج می‌کند، از جمله:

- در جنگ‌ها برای اطلاع از نیروها و امکانات دشمن، جاسوسی کردن جایز است.
- در حالت جنگ علاوه بر عملیات جنگی، باید از هر جهت، از جمله از جهت اقتصادی و فرهنگی به دشمن حمله کرد و توان او را از میان برد.
- فرمانده سپاه اسلام باید برای اداره جنگ با دیگران مشورت کند و دولت اسلام باید مسئله شورا را، اصلی اساسی بداند.^{۴۱}

۶. فقه السیره النبویه نوشته نجاح طائی

این کتاب هر چند عنوان مستقلی دارد، ولی در ردیف مجلدات کتاب السیره النبویه از همین نویسنده قرار گرفته و در شناسنامه کتاب، جزء سیزده معرفی شده است.

نجاح طائی نویسنده‌ای پرکار است و سبک و سلیقه خاصی دارد و معتقد است که از سوی منافقان و امویان داستان‌های غیر واقعی وارد تاریخ اسلام و سیره نبوی شده و نه تنها در حق اهل بیت، بلکه در حق خود پیامبر ﷺ جفا شده است.

او در این کتاب برخلاف فقه‌السیره‌نویسان اهل سنت و بر اساس مبنای خود، همه حوادثی را که در کتاب‌های سیره نقل شده، به پیامبر ﷺ و روش آن حضرت نسبت نمی‌دهد. او کتاب خود را به دو بخش تقسیم می‌کند:

بخش اول، شیوه پیامبر برای هدایت دولت و جامعه، بخش دوم، شیوه شیطانی برای گمراه کردن مردم.

بخش اول، مشتمل بر شش باب است و روایاتی را که صحیح می‌داند در این بخش نقل می‌کند و احکام آنها را با عنوان «الدلائل و العبر» استخراج می‌کند و باب پنجم را به داده‌های غزوه‌های پیامبر اختصاص می‌دهد. این باب با عنوان «الدروس المستوحاة من الحروب النبویه» است و خود دو بخش دارد:

نخست، دلالت‌هایی که از مجموع جنگ‌ها به دست می‌آید، مانند: رعایت اخلاق در جنگ، حرام بودن کشتن زخمی‌ها و حرام بودن مثله کردن جنازه دشمن. آنگاه یک‌یک غزوه‌ها را بررسی می‌کند و ذیل هر کدام نتایجی را که به دست آورده است، می‌شمارد.

بخش دوم که همان شیوه شیطانی است، مشتمل بر روایاتی است که به نظر نویسنده از طرف منافقان و بنی‌امیه وارد سیره نبوی شده و از آنها نتایجی را استخراج کرده‌اند و به سیره نبوی نسبت داده‌اند، در حالی که از اساس باطل است. وی، موضوعاتی را در این قسمت می‌آورد و آنها را مصداق تحریف تاریخ می‌داند. از جمله این موضوعات، از داستان شق صدر و ساختن فضایل برای افراد خاص است.

۷. المنهج الحرکی للسیره النبویه نوشته منیر محمد غضبان

نویسنده این کتاب، سیر حرکت سیاسی پیامبر اسلام ﷺ را از بعثت تا رحلت بررسی کرده و می‌کوشد که مراحل حرکت پیامبر را در تأسیس و تثبیت حکومت اسلامی تبیین کند و از آن الگویی عملی برای مسلمانان در هر عصری ارائه دهد.

نویسنده در مقدمه کتاب تأکید می‌کند که او در نوشتن این کتاب تحت تأثیر کتاب معالم الطريق نوشته سید قطب قرار گرفته است؛ آنجا که برای حرکت سیاسی - اجتماعی پیامبر اسلام ﷺ چند مرحله قائل شده که هر مرحله مقتضیات خاص خودش را دارد.

او در مقدمه کتاب خودش برای دعوت پیامبر ﷺ، پنج مرحله ترسیم کرده است: مرحله اول: دعوت پنهانی و زمینه سازی پنهانی، از آغاز بعثت تا نزول آیه و اندر عیشرتک الاقربین؛

مرحله دوم: دعوت آشکار و زمینه سازی پنهانی، از آغاز دعوت آشکار تا پایان سال دهم بعثت؛ مرحله سوم: تشکیل حکومت، سال‌های آغازین هجرت؛ مرحله چهارم: تثبیت پایه‌های حکومت، از تشکیل حکومت تا صلح حدیبیه؛ مرحله پنجم: دعوت جهانی، بعد از صلح حدیبیه تا رحلت پیامبر ﷺ^{۴۲} نویسنده در طول کتاب به شرح و بررسی این مراحل از سیره پیامبر می‌پردازد و خطوط سیاسی - اجتماعی موجود در هر مرحله را استخراج می‌کند.

۸. فقه السیره النبویه نوشته منیر محمد غضبان

نویسنده در این کتاب، احداث تاریخی سیره نبوی را به ترتیب تاریخ ذکر کرده و بعد از هر حادثه مهم تاریخی، تحلیل‌هایی از آن حادثه ارائه می‌دهد و درس‌ها و عبرت‌هایی را که می‌توان از آن حادثه به دست آورد، بیان می‌کند و آنها را تحت شماره‌هایی از هم جدا می‌کند. برای مثال، پس از ذکر حوادث مربوط به مهاجرت گروهی از مسلمانان به حبشه که در سال‌های نخستین بعثت اتفاق افتاد، ده درس از درس‌های مهم این واقعه را به ترتیب ذکر می‌کند که می‌تواند الگویی برای مسلمانان در تاریخ باشد. برای نمونه، درباره انتخاب حبشه برای هجرت مسلمانان می‌گوید: پیامبر اکرم ﷺ حبشه را به این دلیل انتخاب کرد که آنجا را محل امنی برای گروه مسلمانان مهاجر و زمینه‌ای مناسب برای نشر دعوت دید. این مطلب باید در هر زمانی برای رهبران فکری مسلمانان مورد توجه باشد که وقتی گروهی را برای دعوت به اسلام اعزام می‌کنند، هم سلامت و امنیت آن گروه را در نظر بگیرند و هم زمینه انتشار دعوت را مدنظر قرار بدهند تا نتیجه مطلوبی به دست آید.^{۴۳}

هم چنین در یکی از درس‌های هجرت به حبشه، برخورد جعفر بن ابی‌طالب با نجاشی و شیوه سخن گفتن او را، الگویی برای مبلغان اسلامی معرفی می‌کند و می‌گوید که جعفر به سبب احترام به اعتقادات نجاشی و رعایت ادب، محبت نجاشی را جلب کرد، به طوری که نجاشی در برابر گروه اعزامی مشرکان مکه به سرپرستی عمرو عاص، موضع جانب‌دارانه‌ای نسبت به مسلمانان گرفت. آنگاه نویسنده کتاب، شیوه سرسختانه و تندروانه برخی از مبلغان را در جهان امروز، با شیوه جعفر مقایسه می‌کند و اظهار می‌دارد که این آقایان به سبب شیوه تندروانه خود، مردم را از اسلام فراری می‌دهند و در آنها نسبت به اساس دین ایجاد نفرت می‌کنند.^{۴۴} غضبان در این کتاب در بخش غزوه‌های پیامبر ﷺ تحلیل‌های بیشتری را ارائه می‌دهد و

پس از شرح حوادث هر غزوه‌ای، بحث ویژه‌ای را با عنوان «من فقه الغزوه» مطرح می‌کند و در آنجا درباره نتایج فقهی، نظامی، اجتماعی و سیاسی که می‌توان از آن حوادث به دست آورد، بحث می‌کند.

۹. السیرة النبویه دروس و عبر نوشته علی بن نایف شحود

نویسنده در باب اول کتاب خود ضمن اینکه سیره نبوی را تفسیر عملی و بیان تطبیقی دین اسلام معرفی می‌کند، مراحل سیره‌نویسی را به شش مرحله تقسیم می‌کند و مرحله ششم را مرحله «صحوه = بیداری» می‌نامد. منظور او از این مرحله، نوشته شدن کتاب‌های گوناگونی درباره فقه‌السیره و استخراج احکام و درس‌ها و عبرت‌ها از آن است. او نام چند کتاب را در این زمینه می‌آورد و این مرحله را انقلابی در نگرش مسلمانان به سیره نبوی می‌داند.^{۴۵} گفتنی است که این کتاب ۱۴۴۰ صفحه است و نویسنده علاوه بر مطالبی که خود نوشته است، مقاله‌های گوناگونی را از نویسندگان متعدد و در زمینه موضوع کتاب با ذکر نام نویسنده آورده است.

۱۰. فقه‌السیره نوشته مکافح

نویسنده که نام دقیق او در آغاز کتاب ذکر نشده، این کتاب را برای تدریس در دانشگاه اسلامی محمد بن سعود نوشته است. او در این کتاب که بیشتر از *زاد المعاد* ابن قیّم متأثر است، حوادث تاریخی را به طور خلاصه، نقل کرده و ذیل هر حادثه‌ای با عنوان «مجمّل الفوائد» و گاهی با عنوان «مجمّل من الدروس و العبر» موضوعاتی را که از آن حادثه استخراج کرده، شمرده است که گاهی به دهها موضوع می‌رسد. برای مثال، پس از نقل داستان افک، ۴۳ فایده از آن استخراج کرده است.

هر چند این کتاب استواری لازم را ندارد و به شیوه علمی نگاشته نشده است، ولی فوایدی که در آن برای حوادث سیره نبوی ذکر شده، قابل ملاحظه است.

نقد و نظر

هر چند کتاب‌های فقه‌السیره امتیازات خاصی دارند و سیره نبوی را از حالت تاریخی صرف به حالت دینامیک و فعال و پر از درس‌های عملی و کاربردی درآورده‌اند، ولی حقیقت این است که این روش ضعف‌ها و ابهام‌هایی دارد که باید برطرف شود تا نتیجه مطلوب به دست آید. برخی از آن ضعف‌ها عبارت‌اند از:

۱. در اکثریت قریب به اتفاق این کتاب‌ها عملکرد صحابه هم به حساب پیامبر ﷺ گذاشته شده و این کاری ناصواب است. برای مثال، ابن قیّم که در نام کتابش قید «فی هدی خیر العباد» را آورده است که مفهوم آن استخراج احکام از اعمال خود پیامبر ﷺ است، در حالی که در

بسیاری از موارد، اعمال اصحاب پیامبر را هم منبع احکام قرار داده است. برای نمونه وی در بیان احکامی که از جنگ احد استخراج می‌شود، می‌گوید: از جمله احکام این است که جایز است انسان برای خود دعا کند که در راه خدا کشته شود و این از باب آرزوی مرگ نیست که از آن نهی شده، چون عبدالله بن جحش در جنگ احد گفت: خدا یا مرا با مشرکی روبه‌رو کن تا با او بجنگم و او مرا در راه تو بکشد.^{۴۶} این روش در کتاب‌های دیگر فقه‌السیره هم و پیگیری شده است.

به نظر می‌رسد چنین کاری اگر در حضور پیامبر ﷺ اتفاق می‌افتاد و ایشان از آن نهی نمی‌کرد، می‌توانست از باب حجیت تقریر معصوم مورد استناد باشد، ولی چنین می‌نماید که در کتاب‌هایی که از سوی اهل سنت نوشته شده، توجهی به این نکته نشده و مجرد صدور فعلی از صحابه را حجت دانسته‌اند، در حالی که فعل صحابه - حتی بنا بر نظریه عدالت صحابه که آنها دارند - نمی‌تواند برای دیگران حجت شرعی باشد.

۲. همان‌گونه که در آغاز بحث اشاره شد، حجیت فعل پیامبر و استخراج حکم عمومی از آن، شرایط ویژه‌ای دارد که غالباً از آن غفلت شده است، از جمله اینکه فعل پیامبر ﷺ اگر در مقام تشریح باشد مانند قول او حجت است، اما اگر در مقام تشریح نباشد، مانند کارهای روزمره شخصی آن حضرت، دلیل بر وجوب و حرمت نمی‌شود و حداکثر بر مباح بودن یا حرام نبودن دلالت می‌کند. در این مورد هم باید تفحص کرد که شاید علت خاصی داشته و پیامبر ﷺ این کار را در آن مورد به خصوص انجام داده است یا کاری که انجام داده بر اساس شأن و مقام وی بوده است و به دیگران سرایت نمی‌کند. برای مثال، اگر پیامبر به کشتن کسی دستور داد که او را دروغ‌گو خوانده، این نمی‌تواند برای ما ملاک عمل قرار بگیرد و کشتن هرکسی که ما را دروغ‌گو خواند، برای ما مباح باشد. معلوم است که دروغ‌گو خواندن پیامبر ﷺ به معنای تکذیب نبوت است.

۳. مستند این کتاب‌ها علاوه بر احادیثی که در کتاب‌های حدیثی آمده، سلسله روایات تاریخی است که در مجامع تاریخی ذکر شده است. استناد به بسیاری از این روایات در بحث‌های تاریخی شاید اشکالی نداشته باشد، ولی در استنباط احکام شرعی نمی‌توان به آنها استناد کرد.

نتیجه

استخراج احکام فقهی و معارف اسلام از روش زندگی پیامبر ﷺ بر اساس حجیت فعل معصوم، در کتاب‌های فقهی سابقه طولانی دارد، ولی در این اواخر به این موضوع با عنوان «فقه‌السیره» توجه ویژه‌ای شده است. روش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در کتاب‌هایی که تحت این عنوان نوشته شده سعی بر آن بوده که با توجه به نیازهای زمان، درس‌های عملی و کاربردی از سیره نبوی استخراج شود. هر چند این اقدام، اقدام مبارکی است، ولی ضعف‌ها و ابهام‌هایی دارد که باید برطرف شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. شهاب‌الدین عسقلانی، *الاصابة*، ج ۲، ص ۲۹۸.
۲. عبدالملک بن هشام، *السيرة النبوية*، ج ۲، ص ۱۶۱. (تیب به معنای خواری).
۳. محمدبن علی بن شهر آشوب، *المناقب*، ج ۳، ص ۲۴۱.
۴. محمدبن حسن شیخ طوسی، *التهذیب*، ج ۶، ص ۱۵۴.
۵. محمدبن حسن حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۵، ص ۱۰۲.
۶. احمد بن حسین بیهقی، *السنن الکبری*، ج ۹، ص ۴۹.
۷. حسین بروجردی (آیت‌الله)، *جامع احادیث الشیعه*، ج ۱۳، ص ۱۰۳.
۸. علاء‌الدین متقی هندی، *کنز العمال*، ج ۱۱، ص ۳۳۶.
۹. ابن عبدالبر، *الکافی*، ص ۳۲۰.
۱۰. خیرالدین زرکلی، *الاعلام*، ج ۱، ص ۲۷.
۱۱. محمدبن حسن شیخ طوسی، *الفهرست*، ص ۳۷.
۱۲. ک: مصطفی بن عبدالله، حاجی خلیفه، *کشف الظنون*، ج ۲، ص ۱۰۱۲ تحت عنوان «علم السیر».
۱۳. احمدبن حسن بن ابی جمهور احسانی، *عوالی اللغالی*، ج ۱، ص ۱۹۸؛ علاء‌الدین متقی هندی، *کنز العمال*، ج ۷، ص ۲۸۱.
۱۴. بیهقی، *سنن بیهقی*، ج ۵، ص ۱۲۵.
۱۵. محمدبن حسن طوسی، *المبسوط*، ج ۲، ص ۸.
۱۶. همان، ص ۱۰.
۱۷. همان، ج ۱، ص ۱۵۵.
۱۸. علی بن حسین کرکی، *جامع المقاصد*، ج ۱، ص ۳۶۶.
۱۹. محمد بن مکی شهید اول و دوم، *شرح لمعه*، ص ۳۹۰.
۲۰. جعفر بن حسن محقق، *المعتبر*، ج ۲، ص ۸۰۶.
۲۱. محمدحسین نجفی، *جواهر الکلام*، ج ۱۹، ص ۱۰۶.
۲۲. همان، ج ۱۹، ص ۱۳۵.
۲۳. همان، ج ۱۹، ص ۳۵۳.
۲۴. ابوعبدالله ابن قیّم جوزی، *زاد المعاد*، ج ۲، ص ۱۲۷ - ۱۲۸.
۲۵. محمد غزالی، *فقه السیره*، ص ۱۲.
۲۶. همان.
۲۷. همان، ص ۵.
۲۸. همان، ص ۵۲ - ۵۴.
۲۹. مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، ج ۱، ص ۱۰۱، طبق روایات اهل سنت واقعه شق صدر یک بار دیگر هم در جریان معراج پیامبر به آسمان اتفاق افتاده (صحیح بخاری، ج ۶، ص ۳۳۲).
۳۰. همان، ص ۶۵ - ۶۶.
۳۱. ک: محمدسعید رمضان بوطی، *فقه السیره*، ص ۱۱۲ به بعد.
۳۲. به نظر می‌رسد که غیبت احادیث مربوط به فضائل علی علیه السلام از بسیاری از کتاب‌های اهل سنت و حتی سعی در تضعیف آنها توسط برخی از علمای آنان، علاوه بر حاکمیت اندیشه اموی در طول تاریخ، بدین جهت بوده که این احادیث دلیل بر تفضیل او بر دیگران می‌شود و با مبنای مهم اهل سنت که معتقد بر تفضیل ابوبکر بر علی هستند، مغایرت دارد.
۳۳. محمدسعید رمضان بوطی، *فقه السیره*، ص ۱۴۶.
۳۴. همان.
۳۵. همان، ص ۲۶۴.

۳۶. همان، ص ۳۹۲.
۳۷. همان، ص ۲۶۴.
۳۸. همان، ص ۳۹۲.
۳۹. مططفی سباعی، السیره النبویه دروس و عبر، ص ۱۳۰ - ۱۳۱.
۴۰. احمد محمد علیمی، دروس السیره النبویه و عبرها، ص ۸.
۴۱. همان، ص ۱۵۹.
۴۲. منیر محمد غضبان، المنهج الحركی للمسيره النبویه، ج ۱، ص ۱۶.
۴۳. منیر غضبان، فقه السیره النبویه، ص ۲۳۴.
۴۴. همان، ص ۲۳۸.
۴۵. علی بن نایف الشحود، الشحود، السیره النبویه، ص ۲۰.
۴۶. ابو عبدالله ابن قییم جوزی، زاد المعاد، ج ۲، ص ۹۷.



منابع

- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، *عوالی اللالی*، قم، مطبعة سيدالشهداء، ١٤٠٣ ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب*، نجف، مكتبة الحيدرية، ١٣٧٦ ق.
- ابن عبدالبر، الكافي، بيروت، دارالکتب العلمية، ١٤٠٧.
- ابن قيم جوزی، ابو عبدالله، *زاد المعاد فی هدی خير العباد*، دارالفکر، بيروت، بی تا.
- ابن هشام، عبدالملک بن هشام، *السيرة النبوية*، قاهره، مكتبة محمدعلی، تحقيق محمد محی الدين عبدالحميد، ١٣٨٣ ق.
- بخاری، محمد بن اسماعيل، *صحیح بخاری*، بيروت، دارالفکر، ١٤٠١ ق.
- بروجردی، حسین (آیت الله)، *جامع احاديث الشيعة*، قم، العلمية، ١٣٩٩.
- بوطی، محمدسعید رمضان، *فقه السيره*، بيروت، دارالفکر، ١٤١٤ ق.
- بيهقي، احمد بن حسين، *السنن الكبرى*، بيروت، دارالفکر، بی تا.
- حاجی خليفه، مصطفى بن عبدالله، *كشف الظنون عن اسامي الكتب و الفنون*، بيروت، داراحياء التراث العربي، بی تا.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشيعة*، قم، مؤسسه آل البيت، ١٤١٤ ق.
- حلی، جعفر بن حسن، *المعتبر*، قم، مدرسة الامام امير المؤمنين، ١٤١٩.
- زرکلی، خير الدين، *الأعلام*، بيروت، دارالعلم للملايين، ١٩٨٠ م.
- سباعی، مطفي، *السيرة النبوية دروس و عبر*، بيروت، المكتب الاسلامی، بی تا.
- شهيد اول، محمد بن مكي، *ذكري الشيعة*، قم، مؤسسه آل البيت، ١٤١٩.
- طائي، نجاح، *فقه السيرة النبوية*، قم، دارالهدی، ١٤٢٧ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *الخلاف*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤١٧.
- طوسی، محمد بن حسن، *الفهرست*، قم، نشر الفقاهة، ١٤١٧.
- طوسی، محمد بن حسن، *المبسوط*، مكتبة الرضوية، تهران، ١٣٧٨ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، *تهذيب الاحكام*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ١٣٦٤ ش.
- عسقلانی، شهاب الدين، *الاصابة في تمييز الصحابة*، بيروت، دارالكتاب العربي، بی تا.
- علی بن نايف الشحود، *السيرة النبوية دروس و عبر*، بی تا، بی تا.
- علیمی، احمد محمد، *دروس السيرة النبوية و غيرها (فقه السيره)*، امارات متحده عربي، چاپ دانشگاه، بی تا.
- غزالی، محمد، *فقه السيره*، قاهره، دارالشروق، ١٩٦٨ م.
- غضبان، منير محمد، *المنهج الحركي للسيرة النبوية*، اردن، مكتبة المنار، ١٤١١ ق (در ٣ جلد).
- غضبان، منير محمد، *فقه السيرة النبوية*، مکه، جامعة ام القرى، ١٤١٩ ق.
- کرکی، علی بن حسین، *جامع المقاصد*، مؤسسه آل البيت، قم، ١٤٠٨.
- متقی هندی، علاء الدين، *کنز العمال*، بيروت، مؤسسه الرسالة، ١٤٠٩ ق.
- مکافح، فقه السيره، دانشگاه اسلامي محمد بن سعود، ١٤٣١ ق.
- نجفی، محمد حسین، *جواهر الکلام*، بيروت، داراحياء التراث العربي، ١٩٨١ م.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، بيروت، دارالفکر، بی تا.